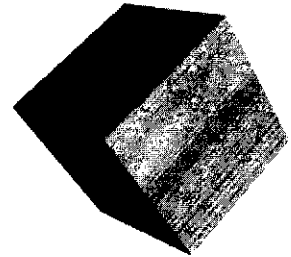


آخرین پیروزی "قهرمان از دست دادن فرصت های طلایی"



بعضی از وزیران دولت جدید آقای خاتمی بیش از آنکه برای ایشان و هدف ها و برنامه های دولتشان مفید باشند، مشکل آفرین خواهند بود

دکتر انور خامه ای

پیش از هر چیز باید تذکر دهم که لقبی که در عنوان این گفتار ملاحظه می کنید، از نگارنده نیست و اصطلاحی است که بعضی روزنامه های معروف جهان، به ویژه نشریات پرتیراژ انگلیسی زبان درباره رییس جمهور محبوب ما به کار می برند و مادر این گفتار بررسی خواهیم کرد که در این مورد؛ یعنی چالش اخیر برای تشکیل کابینه جدید و رای اعتماد برای وزیران برگزیده خویش، اطلاق این لقب به ایشان صادق بوده است یا خیر.

ما این جریان را از آغاز، یعنی بلافاصله پس از اعلام ۲۲ میلیون رای، یعنی ۷۷ درصد آرای آقای خاتمی و مسلم شدن پیروزی ایشان در انتخابات ریاست جمهوری پی می گیریم و گام به گام مراحل مختلف آن را مورد تحلیل و نقد قرار خواهیم داد تا پایان ماجرا، یعنی پذیرفتن تمام وزرای معرفی شده از جانب ایشان از سوی مجلس شورای اسلامی و در طی این مسیر در هر مرحله اظهار نظرها و پیش بینی های مطبوعات و صاحب نظران را مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد. در پایان نگاهی به حاصل این جریان، یعنی کابینه ای که زمام امور دولت را به دست گرفته و تعهدات سنگینی بر دوش خود پذیرفته است، خواهیم افکند و به آینده نگری خواهیم پرداخت.

پس از اعلام پیروزی غیرمنتظره آقای خاتمی در انتخابات ۱۸ خرداد بسیاری از مردم

می پنداشتند که مانند خرداد ۱۳۷۶ تشریفات بعدی رسمیت یافتن مقام ایشان و معرفی وزرا و گرفتن رای اعتماد به سرعت انجام خواهد شد و مشکلی پیش نخواهد آمد. اما اینگونه نشد و آنچه آسان می نمود اول، ولی افتاد مشکل ها! علتش هم معلوم بود. در خرداد ۷۶ حریف غافلگیر شده بود و انتظار چنین پیروزی را نداشت و در نتیجه، زمام را وانهاد و عقب نشست. اما در خرداد امسال آن حریف تجربه ۷۶ و کشمکش مداوم را پشت سر نهاده و درس های فراوانی آموخته و اندوخته بود. از این رو کوشید با مشکل آفرینی، طعم شیرین پیروزی را به تلخی بکشد. هنوز مرکب رای خشک نشده، گروه های فشار در بعضی شهرستان های ضربه و شتم کسانی پرداختند که پیروزی خاتمی را جشن گرفته و به دست افشانی و پایکوبی برخاسته بودند؟

سهس آقای خاتمی مدتی منتظر تایید صحت انتخابات از سوی شورای نگهبان ماند و زمانی هم در انتظار تنفیذ حکم ریاست جمهوری از جانب مقام رهبری نظام گذشت. دست آخر، مساله مراسم تحلیف پیش آمد که به اصطلاح سرگنده مساله بود در زیر لحاف! به تصدیق رییس مجلس شورای اسلامی و بسیاری خبرنگاران و صاحب نظران دیگر، اجرای مراسم تحلیف نیازی به حضور هر ۱۲ نفر اعضای شورای نگهبان نداشت و حتی در مراسم تحلیف همین آقای خاتمی در دوره اول فقط ۱۱ نفر از آنها حضور داشتند و آقای زواره ای حاضر نبود. اما این بار را محکم ایستاد که باید هر ۱۲ نفر حاضر باشند.

چرا؟ چون مجلس نمی خواست زیر بار پذیرش نظر ریاست قوه قضاییه برود. کسانی را که او معرفی کرده بود صالح برای عضویت شورای نگهبان نمی دانست و رییس قوه قضاییه هم می گفت غیر از اینها کسی را معرفی نخواهم کرد؟ خلاصه حل اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد و این مجمع هم پس از مدتی بحث و فحص، از مقام رهبری درخواست کرد که در این باره تصمیم بگیرد. نمی دانم چرا این دو سال اخیر مرسوم شده است در مسائلی نسبتا جزئی که قابل حل و فصل در ارگان های دیگر است و اگر آنها نتوانستند، مجمع تشخیص مصلحت نظام مسوول رفع آن است و وظیفه وجودی مجمع نیز همین است، پای مقام رهبری را به میان می کشند و از اعتبار و حیثیت ایشان مایه می گذارند؟ در اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی حقوق و وظایف رهبری مشخص شده است که مهم ترین آنها تعیین سیاست های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن است. آیا صلاح است از اعتبار و شخصیت این مقام منیع برای عوض کردن دستور جلسه مجلس شورای اسلامی استفاده شود؟ مگر نمی شد جلوی تغییر قانون مطبوعات را به طریق دیگری، مثلا توسط شورای نگهبان گرفت، یا در مورد انتخاب دو نفر حقوق دان شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت می توانست از رییس محترم قوه قضاییه بخواهد که چند حقوق دان دیگر به مجلس معرفی کند. این از وظایف مجمع است و برای همین کارها تاسیس شده است. اما

پیشین هستند و همه در همان مقام های پیشین قرار دارند. مهم تر اینکه سرپرست های وزارتخانه های مهم و موثر مانند وزیر دفاع، وزیر امور خارجه، وزیر کشور، وزیر ارشاد، وزیر نفت، وزیر بازرگانی و اطلاعات و... در مقام خود باقی مانده اند. تنها وزیر یک وزارتخانه مهم عوض شده است اما چنانکه بعدا بررسی خواهیم کرد، این تعویض چندان تأثیر در تغییر سیاست های وزیر پیشین نخواهد داشت.

چند وزیر دیگر نیز تغییر کرده اند، اما در میان آنها چهره شناخته شده ای که مورد اعتماد مردم باشد، مانند آقای دکتر عطاء الله مهاجرانی، به چشم نمی خورد. وزیران جدید ممکن است افراد کاردانی باشند اما اکثر آنها برای مردم ناشناخته اند و یک نفر از آنها که سابقه وزارت داشته است در گذشته کار چشمگیری برای مردم انجام نداده است. خلاصه احساس مردم این است که "کاسه همان کاسه است و آتش همان آتش" منتها قدری لوییا و عدس آن تغییر کرده است با این وضع بعضی از آن پیش بینی ها، توقعات و انتظارات از یک سو و این کلبینه که پس از دو ماه انتظار معرفی شد و همچون آب سردی بود که بر آتش انتظارات مردم ریخته شد، از سوی دیگر یکی از روزنامه های معروف انگلیس را واداشت بنویسد، "گره موش زاید!" (۳)

پس از اعلام و معرفی کلبینه به این صورت غیرمنتظره، یکبار دیگر افکار عمومی به هیجان

شدن با ۲۲ میلیون رای داده بودند که قاطع تر از گذشته عمل خواهند کرد و زیر بار هیچ تحمیلی نخواهند رفت، پیش بینی می کردند که جز دو سه تن از وزیران پیشین، دیگران، همه تغییر خواهند کرد و اشخاص دیگری جای آنها را خواهند گرفت. به ویژه تعویض بعضی از وزیران را که در گذشته تجانس کافی با شخص رییس جمهور و برنامه های او نشان نداده بودند، حتمی و مسلم می دانستند که با توجه به سخنرانی ها و اظهار عقاید گذشته آقای خاتمی مطمئن بودند که برآورده خواهد شد. منجمله فراکسیون زنان حضور دست کم یک وزیر زن را در هیات دولت آینده یک ضرورت تاریخی می شمرد. خانم راکمی رییس این فراکسیون این مطلب را به صراحت در مصاحبه ای با روزنامه ملت ذکر کرد و افزود: امید داریم رییس جمهور محبوبمان به این ضرورت تاریخی پاسخ مثبت بدهد. (۲)

اما هنگامی که آقای رییس جمهور، کلبینه خود را به مجلس معرفی کرد، معلوم شد هیچکدام از این پیشگویی ها صحت نداشته و هیچیک از آن انتظارات برآورده نشده است. نه وزیر زنی در کلبینه وارد شده و نه تمام وزیران، بجز دو سه نفر تغییر کرده اند و نه حتی وزیرانی که رو در روی آقای خاتمی ایستاده بودند و از روشی جدا از خط مشی کلی دولت پیروی می کردند، کنار گذاشته شده اند.

اکثر وزیران یعنی ۱۳ نفر از آنها همان وزیران

مجمع و وظیفه خود را به مقام رهبری ارجاع کرد. در دو سال اخیر بیش از دو بار این گونه استفاده های ناصواب صورت گرفته است. این قبیل استفاده ها نه تنها بر اعتبار و اقتدار آن مقام نمی افزاید بلکه به زیان آن تمام می شود.

پس از آنکه مجلس شورای اسلامی در برابر رهنمود مقام رهبری تسلیم شد و دو نفر حقوقدانی را که به صلاحیت آنها اعتقاد نداشت به عضویت شورای نگهبان برگزید و مراسم تحلیف انجام گرفت، ظاهر ا به نظر می آمد که دیگر مانعی بر سر راه معرفی کلبینه نیست و آقای خاتمی هم در این دو ماه فرصت کافی برای انتخاب وزیران خود داشته است و می تواند فوراً آنها را به مجلس شورای اسلامی معرفی کند. با وجود این، معلوم نیست به چه علت نزدیک به دو هفته دیگر معرفی وزیران به تاخیر افتاد؟! ظاهراً بعضی از وزیران منتخب باید عوض می شدند و کسان دیگری جای آنها را می گرفتند تا رضای فلان فراکسیون یا فلان فرد متنفذ یا فلان سازمان تأمین می شد. اگر این گونه نیست، این دو هفته تاخیر را پس از قریب به دو ماه شور و مشورت چگونه می توان توجیه کرد؟! این مساله کوچکی نیست. آقای خاتمی بارها اعلام کرده اند که زیر بار تحمیل هیچ کس نمی روند، ایشان پیش از تقاضای رای اعتماد برای وزیرانشان در مجلس اظهار داشتند: تصمیم گرفتم از مجلس کسی را انتخاب نکنم، زیرا مجلس نیاز به نیروهای کارآمد دارد. از دوستان نیز کسی را انتخاب نکردم. این عزیزان بر اساس تجربه و شناخت و مطالعاتی که انجام دادم، گزینش شده اند. (۱) آیا نزدیک به دو ماه برای شناخت و گزینش ۷ نفر وزیر جدید کافی نبوده است؟ چون ۱۳ نفر دیگر وزیرانی هستند که چهار سال با آنها کار کرده اند و شناخت کافی از آنها داشته اند. اگر ایشان خودشان راساً گزینش کرده اند، با فرصتی که نزدیک به دو ماه داشته اند، این دو هفته تاخیر پس از تحلیف برای چه بوده است؟! قسم حضرت عباس (ع) را باور کنیم یا دم خروس را!! بگذاریم و بگذریم؟

کلبینه همان کلبینه است و آتش همان آتش!

پیش از معرفی وزیران جدید، افکار عمومی خواهان و منتظر تغییر کلی در اعضای کلبینه بود و صاحب نظران نیز با توجه به قول های موکدی که آقای خاتمی پیش از ۱۸ خرداد و پس از انتخاب



آمد و نقد و تفسیر و پیش بینی درباره سرنویشت وزرای معرفی شده در مطبوعات، محافل سیاسی و جمعیت ها و انجمن های دانشجویان و فرهیختگان به شدت رواج یافت.

روزنامه ملت به عنوان اظہار نظر نمایندگان مجلس با تیتیر درشت نوشت: «مجلس به وزرای تکراری رای نخواهد داد». محمد قمی عضو کمیسیون اصل ۹۰ در مصاحبه با خبرنگار این روزنامه اظہار داشت: «نمایندگان طی چند روز فرصتی که برای معرفی وزرا به مردم دارند، طبیعتاً به وزایی که توانایی لازم را نداشته و برای کار دیگری مناسب هستند، رای نخواهد داد».

در کابینه پیشین آقای خاتمی شرکت داشته و ۷ تن اعضای جدید به آن وارد شده اند. وزیران پیشین همه در مقام های سابق خود ابقا شده اند. از ۷ نفر وزیران تازه وارد به کابینه فقط یک نفر، یعنی آقای مرتضی حاجی وزیر آموزش و پرورش جدید پیش از آن یک بار وزیر تعاون بوده است، از نظر سنی اغلب آنها دور و بر ۵۰ سال یعنی از ۴۵ تا ۵۳ سال دارند. مسن ترین آنان آقای سید کمال الدین خرازی با ۵۷ سال و جوان ترینشان آقای محمد شریعتمداری با ۴۴ سال سن می باشند. از نظر تحصیلات، ۵ نفر از وزیران دارای مدرک دکترا، ۵ تن دیگر دارای مدرک

با تاسف باید اذعان کرد که کابینه فعلی آقای خاتمی نه تنها از نظر ارزشی در افکار عمومی به پای کابینه اول ایشان نمی رسد، بلکه در سطحی بسیار پایین تر از آن قرار دارد

و اضافه کرد: «فکر می کنم مجلس به بعضی از وزرای ندهد». حسین امیری نماینده مردم زرنند به همان خبرنگار گفت: «وزیرانی که توانمندی کافی ندارند مجلس به آنها رای اعتماد نخواهد داد». روزنامه ملت با اتکاب به این مصاحبه ها و نظایر آن، نتیجه گرفت که با عدم تغییر جدی در ترکیب کابینه نمایندگان بر آنند که با ابرار رای اعتماد، خاتمی را به تغییرات بیشتری در ترکیب کابینه ترغیب نمایند. (۴) اما خود آقای خاتمی درباره تشکیل و ترکیب کابینه جدید خود این گونه توضیح داد: «توجه به تغییر طلبی، یک شرط محوری برای انتخاب همکاران بود و جهت گیری اصلاحات نیز همین است. ۲۷۶ نفر از جاهای مختلف معرفی شدند. مهم تر از تغییر چهره ها اصلاح روندها، رویه ها و برنامه ها بود. تصمیم گرفتم از مجلس کسی را انتخاب نکنم، زیرا مجلس نیاز به نیروهای کارآمد دارد. از دوستان نیز کسی را انتخاب نکردم. این عزیزان بر اساس تجربه و شناخت و مطالعاتی که انجام دادم، گزینش شدند.» (۵)

وزرایی که همه کاره بوده اند!

اکنون به بررسی ترکیب کابینه و اعضای آن از جنبه های گوناگون آنها می پردازیم. در پیش گفتیم که اکثریت یعنی ۱۳ تن از وزیران این کابینه

فوق لیسانس، ۴ نفر دارای لیسانس، دو نفر دارای تحصیلات حوزوی هستند و ۳ نفر دیگر به علل مختلف و در مراحل متفاوت تحصیلات خود را ناتمام گذاشته و مشغول کار شده اند.

از نظر شغل و حرفه تقریباً همه آنها دارای مشاغل متعدد ولی متوالی در دستگاه دولتی بوده اند که به جز یکی دو استثنا، غیر متجانس با تحصیلاتشان بوده است. اکثر آنها پیش از اشغال کرسی وزارت، مقام های متنوعی را پیاپی بر عهده داشته اند که می توان در حکم مدارج ترقی آنان در نظام جمهوری اسلامی حساب کرد، شمار این مدارج یعنی مشاغل متوالی میان این وزیران فرق می کند و از ۵ شغل و مقام تا ۱۱ شغل دیده می شود. در این زمینه، رکورد تعدد مشاغل را آقای مهندس احمد خرم با پیمودن ۱۱ مقام به دست آورده است و کمترین تعدد مقام با ۵ بار از آن آقایان مهندس بیژن نامدار زنگنه و احمد مسجد جامعی است.

نکته مهم در این زمینه تعدد نیست، بلکه تنوع این مشاغل است. هر کارمندی ممکن است در یک اداره یا وزارتخانه مقام های مختلفی را عهده دار شود و به تدریج ترفیع مقام یابد. اما کسانی که در عرض چند سال عهده دار ۵ یا هر مقامی می شوند که اصلاً با هم هیچ ربطی ندارند، این تنوع را جز

به مقام جویی و بی تفاوت بودن نسبت به وظیفه ای که دارند و کاری که انجام می دهند، به چه می توانی نسبت داد؟ مثلاً اگر کسی از مقام بالایی در وزارت کشور به ترتیب مقام های عالی دیگری را در وزارت تعاون، وزارت صنایع سنگین، وزارت ارشاد، وزارت بازرگانی، سازمان قند و شکر، روزنامه همشهری و کتابخانه ملی احراز کند، یا باید او را دارای قدرت و استعدادی فوق بشر ببنداریم که از پس هر کاری به نحو احسن بر می آید و یا او آدمی بشماریم که به هر سازی می رقصد و از خود هیچ ابتکاری ندارد و طوطی صفت هر چه استاد ازل گفت بگو، می گوید. آیا از چنین افرادی می توان انتظار اجرای برنامه های عریض و طویل فرهنگی، اجتماعی و آموزشی را که لازمه پیشرفت جامعه مدنی است، داشت و آنان را می شود به میثاق پر عرض و طولی که آقای خاتمی برای کابینه خود نوشته است، پای بند دانست؟!

این گونه افراد در هر نظامی وجود دارند و در حکم آهار اتچی های آن نظام به شمار می آیند. با کمال تاسف باید گفت که بعضی از وزیران برگزیده آقای خاتمی بی شباهت به چنین افرادی نیستند و بیش از آنکه برای ایشان و هدف ها و برنامه های دولتشان مفید باشند، مشکل آفرین خواهند بود! همچنین متاسفانه باید اذعان کرد که کابینه فعلی ایشان نه تنها از نظر ارزشی در افکار عمومی به پای نخستین کابینه ای که ایشان پس از پیروزی در دوم خرداد ۷۶ تشکیل داد، نمی رسد، بلکه در سطحی بسیار پایین تر از آن قرار دارد. در آن کابینه، اشخاص برجسته ای مانند آقایان حجت الاسلام عبدالله نوری و دکتر عطاء الله مهاجرانی حضور داشتند ولی متاسفانه در این کابینه جای آنها یا امثالشان خالی است!

از این رو، چنانکه در پیش گفتیم پس از معرفی کابینه، موجی از خشم و اعتراض در میان نمایندگان پدید آمد، به طوری که حتی بعضی از نزدیک ترین آنها به رییس جمهور می خواستند به یکی دو نفر از وزیران رای عدم اعتماد بدهند. اغلب صاحب نظران پیش بینی می کردند مجلس چند نفر از وزیران را به ویژه آنهایی که در کابینه پیشین عملکرد خوبی نداشتند، رد خواهد کرد. از این رو، هنگامی که مجلس به تمام وزیران رای اعتماد داد، حیرت و تعجب همه را فرا گرفت. مردم از خود می پرسیدند علت این عقب نشینی مجلس چه بوده

است؟ چرا نمایندگان اکثریت، اقلابه یک یادو نفر از وزیرانی که اصولاً با خاتمی و روشش مخالفت داشته و دارند، رای کبود ندادند؟ در برابر این سوال ها، نویسندگان و صاحب نظران تحلیل های متفاوتی ارائه می دادند و علل و موجهاتی برای این واقعه ذکر می کردند. این تحلیل ها را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد:

۱- تحلیل ها و تفسیرهایی که از جانب مخالفان خاتمی و مفسران جناح محافظه کار ارائه شده است و می شود.

۲- تفسیرهایی که طرفداران و موافقان آقای خاتمی و هواداران جبهه دوم خرداد عرضه می دارند.

ما هر کدام را جداگانه شرح می دهیم.

۱- نویسندگان و مفسران جناح محافظه کار می کوشند ثابت کنند که اظهار تعجب نمایندگان جبهه دوم خرداد در مجلس، ساختگی و برای فریب مردم بوده است و آنها از آغاز می دانسته اند توافقی کلی روی انتخاب وزیران شده است و باید به همه وزیران، چه آنها که در کابینه پیشین وزیر بوده اند و چه آنها که تازه وارد کابینه شده اند، رای اعتماد بدهند. شریعتمداری مدیر مسوول روزنامه کیهان در این باره نوشته است: اعتراضات و پیش بینی ها همه ساختگی بود و از پیش روی وزیران کابینه توافق شده بود. (نقل به مضمون) (۷) همچنین آقای حداد عادل تنورپسین جناح محافظه کار اظهار داشته است: نه آن مخالفت ها جدی بود، نه آن رای اعتماد آخر. همه اش از پیش تعیین شده بود. (۸)

۲- اما نویسندگان و اندیش مندان جبهه دوم خرداد در باره علل وقوع این رای اعتماد نظرهای گوناگونی ارائه می دهند. بعضی مانند خانم البه کولایی معتقدند که نمایندگان جبهه دوم خرداد متوجه محدودیت هایی بودند که آقای خاتمی در گزینش وزرا با آن رویه رو بوده است.

بنابراین به فرض دادن رای عدم اعتماد به یک وزیر، وزیر جانشین به احتمال زیاد بهتر از او نخواهد بود. از سوی دیگر، هر رای عدم اعتمادی موجب تضعیف آقای خاتمی خواهد بود چون او تقاضا کرده است به همه وزیرانش رای اعتماد بدهند و کار دولت آغاز شود. (۹)

اما آقای تاج الدین نماینده شهر اصفهان نظر مفسران جناح محافظه کار را رد می کند و می گوید

این رای نمی توانست ساختگی و از پیش تعیین شده باشد، چون اخذ آرا کتبی و محرمانه بود و هر نماینده ای با اجتهاد شخصی رای می داد بنابراین قابل پیش بینی نبود. (۱۰)

افزون بر این نظر ها، مفسر روزنامه جام جم معتقد است که کلا سه نوع علت می توان برای تضاد میان گفتار و کردار نمایندگان در این مورد تصور کرد: الف) اینکه آن رانتیجه غفلت نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نداشتن آگاهی از توافق هایی که میان دولت و مقام های دیگر بر سر تعیین وزیران به عمل آمده بوده است، دانست. به عبارت دیگر، توافق هایی بر روی انتخاب وزیران میان آقای خاتمی و مقام های دیگر صورت گرفته بوده و قرار بوده همه این وزیران پذیرفته شوند، اما چون نمایندگان از آن آگاهی نداشته اند، نخست نسبت به آن اعتراض و انتقاد کرده اند، اما بعد که آگاه شده اند به آنها رای اعتماد داده اند.

ب) نمایندگان در آغاز به محدودیت های آقای خاتمی توجه نداشته و می خواسته اند به بعضی از وزیران که گمان می کرده اند به ایشان تحمیل شده است رای عدم اعتماد بدهند، اما هنگامی که به این محدودیت هایی برده اند، نظر خود را عوض کرده و به همه وزیران رای اعتماد داده اند.

ج) نمایندگان مخالف بعضی از وزیران دوست از سابق، عمل کرد گذشته و برنامه آینده شان اطلاع نداشته اند. ولی پس از آنکه در کمیسیون ها با وزیران بحث و گفت و گو کرده اند، توضیحات وزیران آنان را قانع ساخته و نظرشان را تغییر داده و در نتیجه رای اعتماد به آن وزیران داده اند. (۱۱)

اینها نظر مفسر روزنامه ارگان صدا و سیما بود. افزون بر این، نظر، بعضی از نمایندگان، منجمه آقای خباز این است که بیش از همه، آخرین دفاع آقای خاتمی از وزیرانش در تغییر تصمیم بعضی از نمایندگان به دادن رای کبود موثر بوده است. (۱۲)

به نظر من، احتمالاً تمام این عواملی که از طرف مفسران هوادار جبهه دوم خرداد ذکر کردیم و همچنین امکاناتی که مفسر جام جم آورده در وقوع حادثه موثر بوده است. اما افزون بر آنها، دو عامل دیگر نیز اثر بخش بوده است:

۱- بسیاری از نمایندگان از جو پرتنش سه ماه اخیر خسته و فرسوده شده بودند و به تدریج به این سمت گرایش می یافتند که هر چه زودتر به این

مساله پایان دهند تا شاید جو تنش فروکش کند و آرامش برقرار گردد.

۲- قول هایی که وزیران به طور خصوصی به بعضی نمایندگان شهرستان ها برای رفع مشکلات محلی آنها دادند، در افزایش نسبی رای ها موثر بود. چون نباید فراموش کرد که مهم ترین دغدغه نمایندگان شهرستان ها، به ویژه مناطق محروم، رفع مشکلات محلی و تامین تقاضاهای موکلان خویش است.

به هر حال، اینک ما با دولتی رویه روییم که هیچ برتری ویژه ای بر دولت پیش از انتخابات ندارد و حتی قدرت مقابله آن با مشکلات احتمالا کمتر از گذشته نیز هست. چون آن موقع امید این بود که جناح محافظه کار در نتیجه مشاهده رای مردم از سرسختی خود بکاهد و تنش موجود فروکش کند و نیز امید این بود که دولتی منسجم و متکی به شخصیت های قدرتمند و کار آزموده روی کار آید و روش قاطع تری در برابر کارشکنی های مخالفان اصلاحات در پیش گیرد. اکنون این امید هم به کلی از میان رفته است و ملت ایران محکوم است که چهار سال دیگر را مانند چهار سال گذشته و شاید با مشکلاتی سخت تر و توان فرستار از آن به سر ببرد. در پایان این چهار سال دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی به انتها خواهد رسید و ایشان را به سفارت یا ریاست بنیادی خواهند گماشت و معلوم نیست چه کسی جای ایشان را خواهد گرفت و ملت ایران چه مسیری را پیش رو خواهد داشت؟ اما یک نکته مسلم است و آن اینکه لقب اعطایی روزنامه های خارجی یعنی قهرمان از دست دادن فرصت های طلایی همیشه برای ایشان باقی خواهد ماند.

پی نوشت ها:

۱- روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۸

۲- روزنامه ملت، شماره ۸۲، به تاریخ ۸۷/۹/۲۱

۳- روزنامه ایندپندنت، ۱۲ اوت ۲۰۰۱

۴- روزنامه ملت، همان شماره

۵- روزنامه اطلاعات، همان شماره

۶- روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۸۷/۹/۲۵

۷- روزنامه جام جم، به تاریخ ۸۷/۶/۲

۸- همان روزنامه، همان شماره

۹- همان روزنامه، همان شماره

۱۰- همان روزنامه، همان شماره

۱۱- همان روزنامه، همان شماره